

The Impact of Companies Environmental Law on Earnings Smoothing

Vahid Bekhradi Nasab^{1*}

1. PhD in Accounting, Department of Accounting, Najafabad branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Received: 25/5/2021; Accepted: 30/10/2021

DOI: [10.30495/msds.2021.1931616.1002](https://doi.org/10.30495/msds.2021.1931616.1002)

Extended Abstract

Abstract

The decisions of managers and investors are in the direction of increasing returns and wealth, because in economics, with the assumption of the logic of the behavior of individuals, everyone is supposed to seek to maximize their wealth. So managers are no exception to this rule. Now, given their freedom of action in applying accounting procedures, managers want to know how these factors affect the accounting procedures of their wealth, so that they will use their profits to their advantage in order to maximize their wealth. May increase. Increasing the wealth of managers can be accompanied by a decrease in the wealth of other groups, including shareholders. The rate of profit smoothing and social accountability criteria is that how important these criteria are to investors when making economic decisions. At present, the growing flow of environmental law and social responsibility literature has begun to explore the relationship between environmental law and the functioning of financial markets. Therefore, in the present study, after the complete and comprehensive definition of environmental Law and accruals, an attempt has been made to examine the effect of environmental law on the smoothing of earnings as one of the dimensions of profit smoothing. The statistical population of this study includes all companies accepted in Tehran Stock Exchange during the period of 2009-2020. The sample size is based on a systematic elimination of 164 companies. Evidence suggests that environmental Law do not have an impact on the smoothing of earnings.

Introduction

Environmental law has been a sensitive and important issue in recent years and is a key factor in the survival of any organization. Corporate environmental law has also become a significant issue in academic research. Because increasing corporate social responsibility for various reasons can lead to positive financial performance of companies. Corporate social responsibility improves consumer perceptions. For example, business letters used by Toyota are perceived by consumers as environmentally friendly. It should be noted that such positive perceptions lead to more favorable tendencies than a company. In addition, corporate social responsibility is reflected in long-term consumer loyalty and improves the company's ratings among consumers. The environment also helps companies achieve a sustainable competitive advantage and positive financial results, and increase shareholder value. Accordingly, the purpose of this study is the effect of corporate environmental law on earnings smoothing.

Case study

The statistical population of this study includes all companies accepted in Tehran Stock Exchange during the period of 2009-2020. The sample size is based on a systematic elimination of 164 companies.

Theoretical framework

The decisions of managers and investors are aimed at increasing returns and wealth, because in economics, assuming that the behavior of individuals is rational, it is assumed that all people seek to maximize their wealth. So managers are no exception to this rule. Now, considering their freedom of action in using accounting procedures, managers will want to know how these factors, including accounting procedures, affect their wealth, so that by using them for their own benefit, their wealth to the extent May increase. Increasing the wealth of managers can be accompanied by reducing the wealth of other groups, including shareholders. The level of profit smoothing and the criteria of social responsibility confirm how important these criteria are for investors when making economic decisions. The growing stream of environmental law and social responsibility literature is now beginning to explore the relationship between environmental law and the functioning of financial markets.

Methodology

Therefore, in the present study, after the complete and comprehensive definition of environmental Law and accruals, an attempt has been made to examine the effect of environmental law on the smoothing of earnings as one of the dimensions of profit smoothing. The statistical population of this study includes all companies accepted in Tehran Stock Exchange during the period of 2009-2020. The sample size is based on a systematic elimination of 164 companies.

Discussion and Results

Evidence suggests that environmental Law do not have an impact on the smoothing of earnings.

Conclusion

Most companies show that their accountability has financial value and leads to innovation. But this case has worked the opposite in Iran. Because, according to the test results, the hypotheses showed that the report on social responsibility and environmental law had no value for them. This indicates that Iranian managers may have made profit smoothing with the aim of increasing the company's performance and have no incentives to manipulate profits or mismanage profits, and therefore either use environmental law as a shield for a category. They do not use profit management or managers do not need to hide behind this shield because paying attention to such responsibilities reduces the company's performance in the short term.

Keywords: Environmental Law, Earnings Smoothing, Accruals, Discretionary Accruals.

تأثیر حقوق محیط زیست شرکت‌ها بر هموارسازی سود

وحید بخردی‌نسب*^۱

چکیده: سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی علاقه‌مندند اطلاعات بیشتری راجع به هموارسازی سود در شرکت‌های سرمایه‌پذیر داشته باشند؛ به‌خصوص اگر این اطلاعات بر تصمیم‌گیری آن‌ها مؤثر باشد. سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که از روند ثابت سودآوری برخوردار باشند. مسئولیت اجتماعی، مجموعه وظایف و تعهداتی است که سازمان باید در جهت حفظ و مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد و در بیانی دیگر می‌توان گفت که مسئولیت اجتماعی، تعهد تصمیم‌گیران برای اقداماتی است که به‌طور کلی علاوه بر تأمین منافع خود، موجبات رفاه جامعه را نیز فراهم می‌آورند. از این‌رو، در پژوهش حاضر سعی گردیده است پس از تعریف کامل و جامعی از حقوق محیط زیست و اقلام تعهدی اختیاری، به‌عنوان یکی از ابعاد هموارسازی سود، به بررسی تأثیر حقوق محیط زیست بر هموارسازی سود پرداخته شود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۸ است و جامعه آماری در دسترس بالغ بر ۱۶۴ شرکت می‌باشد. روش اجرای پژوهش، آمیخته و ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است و به این منظور، داده‌های هموارسازی سود با استفاده از روش کمی و داده‌های حقوق محیط زیست در شرکت‌های عضو جامعه آماری با استفاده از روش کیفی گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با تکیه بر داده‌های ترکیبی و رگرسیون چندگانه انجام شده است. شواهد نشان می‌دهد که حقوق محیط زیست بر هموارسازی سود تأثیر گذار نیست.

واژگان کلیدی: حقوق محیط زیست، هموارسازی سود، اقلام تعهدی، اقلام تعهدی اختیاری.

۱. نویسنده مسئول - دکتری تخصصی حسابداری، گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف

آباد، ایران.

vahid.bekhradinasab@gmail.com

مقدمه

یکی از اقسام حسابداری که در گزارش‌های مالی تهیه و ارائه می‌شود، سود خالص است. سود، به‌عنوان عاملی برای تدوین سیاست‌های تقسیم سود، پیش‌بینی و راهنمایی برای سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری به شمار می‌آید. مدیریت در انتخاب روش‌های مختلف به حساب بردن وقایع مالی در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری اختیارات قابل ملاحظه‌ای دارد. مثلاً، در مورد استهلاک روش‌های مختلف پذیرفته شده‌ای وجود دارد که مدیر می‌تواند از میان این روش‌ها، یکی را انتخاب کند. همچنین مدیریت می‌تواند فعالیت‌های مالی (مانند به تأخیر انداختن یک فروش و یا انجام دادن مخارج اختیاری) را زمان‌بندی کند. به دلیل این انعطاف‌پذیری، مدیر می‌تواند به طور سیستماتیک روی سود گزارش شده از سالی به سال دیگر تأثیر گذاشته و آن را هموار کند (Koch, 1981). به اعتقاد بیدلمن (۱۹۷۳) نیز اختیاراتی که در زمینه حسابداری و شمول درآمدها و هزینه‌ها وجود دارد، فرصت‌هایی را برای هموارسازی ایجاد می‌کند (Beidleman, 1973). اندازه و زمان‌بندی درآمدها و هزینه‌های اختیاری، نقش مهمی را در فرآیند هموارسازی سود ایفا می‌کند. اقلام اختیاری آن‌هایی هستند که مدیریت بر آن‌ها کنترل دارد و می‌تواند آن‌ها را به تأخیر اندازد، حذف کند و یا ثبت و شناسایی آن‌ها را تسریع کند. حذف و یا کاهش هزینه‌ها و مخارج مربوط به بسیاری از هزینه‌ها طی سال‌های بد و ناموفق و افزایش آن‌ها در سال‌های خوب و موفق، رویه عمل مطلوبی برای بسیاری از هزینه‌های اختیاری می‌باشد. همچنین، تعویق و یا تسریع انواع خاصی از درآمدها در بسیاری از شرکت‌ها رایج است و مدیریت می‌تواند بر روی جزء اختیاری اعمال قضاوت و کنترل نماید. انگیزه‌هایی چون طرح‌های پاداش، انگیزه‌های مالیاتی و ... می‌تواند محرک خوبی برای مدیریت در جهت هموارسازی سود باشد. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود در زمانی که جریان‌های نقدی نوسان بالایی دارند، مدیریت از فرصت استفاده کرده نسبت به هموارسازی سود در جهت منافع شخصی خود اقدام نماید. از طرف دیگر، اختیار عمل مدیران در زمان‌بندی معاملات و

¹ Beidleman

انتخاب بین روش‌های مختلف به حساب بردن وقایع مالی در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری، دستکاری سود توسط آن‌ها را امکان پذیر می‌سازد. لذا، هر گونه دستکاری اصول پذیرفته شده حسابداری، دستکاری سود توسط آن‌ها را امکان پذیر می‌سازد و هر گونه دستکاری سود می‌تواند بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد و پیامدهایی را موجب شود که مخصوصاً در بازارهای غیرکارای سرمایه از درجه اهمیت و تأثیر بیشتری برخوردار باشند. از طرفی با پیشرفت صنعت و تکنولوژی بالطبع تغییرات محیط و اجتماع، تأثیرات شرکت‌ها بر جامعه مورد توجه قرار گرفته است. از آنجایی که گردانندگان شرکت‌ها مدیران هستند و نظرات آنان تأثیرگذار است، لذا توجه به اخلاق مدیران و مسئول بودن آن‌ها در قبال جامعه تحت عنوان «مسئولیت اجتماعی مدیران» مورد بحث سال‌های اخیر بوده است (Abbott & Monsen, 1979; Ackerman, 1973; Ackerman & Bauer, 1976; Aupperle et al., 1985; Carroll, 1979; Carroll, 1999; Carroll, 2021; Cochran & Wood, 1984; Drucker, 1984; Habib & Monzur Hasan, 2016; Murcia et al., 2020). اولین بحث مهم و تأثیرگذار در بررسی مسئولیت اجتماعی مدیران را کارول^۱ (۱۹۷۹) مطرح می‌کند (Carroll, 1979). کارول (۱۹۷۹) چهار بخش برای تعریف مسئولیت اجتماعی مدیران پیشنهاد کرده است. مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری شامل انتظارات اقتصادی، قانونی، اخلاقی و احتیاطی (اختیاری) می‌شود. کارول (۱۹۷۹) به طور مرتب این بخش‌ها را به عنوان حقوق بشر معرفی می‌کند. در تشریح ساختار مسئولیت اجتماعی مدیران، شرکتی که در مسئولیت اجتماعی مدیران می‌خواهد فعالیت کند بایستی برای سود کار کند، قانون را رعایت کند، و به صورت اخلاقی رفتار کند. مدیریت ذینفعان بیان می‌کند که شرکت‌ها سعی می‌کنند انتظارات سهام‌داران را برآورده سازند. این‌ها شامل شناختی است که برخی از سرمایه‌گذاران در تصمیم‌های خود در حوزه مسئولیت اجتماعی مدیران باید در نظر بگیرند (Noravesh et al., 2005). مسئولیت اجتماعی مدیران یک تعهد مداوم صاحبان صنعت و تجارت و دولت است که آن‌ها را ملزم به رعایت اصول اخلاقی و توسعه اقتصادی، هم‌زمان با ارتقاء سطح زندگی نیروی کار و خانواده آنها در جامعه، در

^۱ Carroll

سطح گسترده می‌نماید. همچنین، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، تعهد صاحبان صنعت و تجارت در مقابل اجتماع می‌باشد که می‌بایست ضمن احترام به فرهنگ‌های مختلف، موقعیت‌های شغلی جهت تولید، مهارت نیروی کار، اجتماع و دولت ایجاد نماید (Yu et al., 2018).

آریامند و ابراهیمی (۲۰۲۰) معتقد هستند که مدیریت مسئولیت اجتماعی شرکت مانند اداره کردن دیگر بخش‌های شرکت است (Ariamand & Ebrahimi, 2020). آریامند و ابراهیمی (۲۰۲۰) معتقدند شما می‌توانید آن را به خوبی انجام دهید و هم می‌توانید آن را به بدی انجام دهید. اگر فرآیند مدیریت مسئولیت اجتماعی باعث شود که شما از انجام دیگر امور مهم باز بمانید، این به معنی آن نیست که اشکال از نفس مدیریت مسائل اجتماعی است بلکه، اشکال از نحوه انجام آن کار توسط شما است. مدیریت صحیح مسئولیت‌های اجتماعی می‌تواند از اهداف اقتصادی شرکت به خوبی پشتیبانی نماید، می‌تواند روابط خوبی با سرمایه‌گذاران که در مواقع بحرانی نظرشان در رابطه با کار بسیار مهم است بنا نماید و می‌تواند هزینه‌های شرکت را کاسته و سودآوری را افزایش دهد. این هزینه‌ها و سود در قالب صورت‌های مالی گزارش می‌شوند (Ariamand & Ebrahimi, 2020). صورت‌های مالی از نظر قرار گرفتن در چارچوب استانداردهای حسابداری مشکلی نداشته و حساب‌برسان از این منظر نمی‌توانند بر صورت‌های مالی اشکال بگیرند، ولی با توجه به این که سود یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌ها است، لذا آگاهی استفاده-کنندگان از قابلیت اتکای رقم سود می‌تواند آن‌ها را در انتخاب تصمیم‌های بهتر یاری کند. از این‌رو در این پژوهش به بررسی تأثیر هموارسازی سود در شرکت‌هایی با امتیاز بالاتر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و شرکت‌های غیر هموارسازی سود با امتیاز پایین‌تر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌پردازیم و سوال اصلی این پژوهش از این قرار است که آیا بین میزان افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هموارسازی سود رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ در ادامه به بررسی مبانی نظری، روش پژوهش، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

از زمان انقلاب صنعتی تا مدت‌های طولانی تأسیس انواع بنگاه‌های اقتصادی با هدف کسب سود بود. در واقع، مدیریت سازمان‌ها که در برخی موارد جزئی از مالکان آن‌ها بودند، توجهی به مسائل غیر مالی و اجتماعی نداشتند. با گذشت زمان و ظهور نظریه‌هایی چون تئوری ذینفعان و در نتیجه اهمیت نقش رضایت جامعه و مسائل اخلاقی در شرکت‌ها، مفاهیم جدیدی نظیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و شهروند شرکتی به ادبیات و حرفه مدیریت افزوده شد. این مفاهیم نه تنها مدیریت سازمان‌ها، بلکه حسابداران را نیز به عنوان منبع اصلی تأمین کننده اطلاعات افراد درون و برون سازمان تحت تأثیر قرار داد. گستره و اهمیت این مفاهیم به حدی است که امروزه در بیشتر نقاط دنیا اکثر گروه‌ها نظیر سهامداران، اعتباردهندگان، قانون‌گذاران، تحلیل‌گران مالی، عرضه‌کنندگان، مشتریان، کارکنان و دولت‌ها از مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت به عنوان شاخص اصلی جهت سنجش شهروندی شرکت و پایداری شرکت به تعهدات اجتماعی استفاده می‌کنند. با پیشرفت جوامع و توجه به حقوق بشر، افزون بر مسئولیت متداول شرکت‌ها، یعنی سود دهی، مسئولیت شرکت‌ها در قبال جامعه و محیط نیز مورد توجه قرار گرفته است. سهامداران دیگر تنها ذینفعان شرکت نیستند؛ بلکه شهروندان، مشتریان، کارکنان و دولت و حتی نسل‌های آینده نیز ذینفعان شرکت محسوب می‌شوند. هم‌اکنون شرکت‌های زیادی در سراسر جهان، به این مسئولیت خود واقف بوده و در جهت ایفای آن تلاش می‌کنند. گزارشگری مسئولیت‌های اجتماعی، ابزاری برای ارزیابی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است و با استفاده از آن شرکت‌ها می‌توانند اقدامات خود را در جهت ارتقای کیفیت زندگی آحاد جامعه به اطلاع کلیه افراد جامعه و نهادهای ذینفع برسانند (Bekhradi Nasab & Zholanezhad, 2021).

حقوق محیط زیست، موضوع حساسیت برانگیز و رو به توجه در سال‌های اخیر بوده است و عامل اساسی بقای هر سازمانی محسوب می‌شود. در پژوهش‌های دانشگاهی نیز حقوق محیط زیست شرکت موضوعی قابل توجه گشته است؛ چرا که افزایش مسئولیت

اجتماعی شرکت‌ها به دلایل مختلفی می‌تواند منجر به عملکرد مالی مثبت شرکت‌ها گردد. مسئولیت اجتماعی شرکت باعث بهبود ادراکات مصرف‌کننده می‌شود. به عنوان مثال نام‌های تجاری مورد استفاده شرکت تویوتا توسط مصرف‌کنندگان به عنوان دوست‌دار محیط درک شده‌اند. لازم به ذکر است چنین ادراکات مثبتی منجر به گرایش‌های مطلوب‌تری نسبت به یک شرکت می‌گردد. علاوه بر این، مسئولیت اجتماعی شرکت در وفاداری بلند مدت مصرف‌کننده نیز نمود می‌یابد و ارزیابی‌های شرکت را در میان مصرف‌کنندگان بهبود می‌بخشد. همچنین، محیط زیست، به شرکت‌ها کمک می‌نماید تا مزیت رقابتی پایدار و نتایج مالی مثبت را به دست آورند و ارزش سهام‌دار را بالا ببرند (Bekhradi Nasab & Zholanezhad, 2017).

با توجه به گسترش انواع آلودگی‌ها و دیگر خسارت‌های زیست محیطی ناشی از رشد بی‌رویه اقتصادی و افزایش جمعیت و سایر فعالیت‌های انسانی که اثراتی بر محیط زیست دارند که بعضاً منفی و مضر هستند و با عنایت به این که نمی‌توان برای محیط زیست حد و مرزی قایل شد و همه بشریت سوار بر یک کشتی واحد به نام کره زمین می‌باشند که هرگونه صدمه و آسیب به این کشتی سبب نابودی کل جامعه بشریت می‌گردد، به نظر می‌رسد که بررسی مفهوم خسارات زیست محیطی، گامی برای شناسایی مسئول یا مسئولین خسارت زیست محیطی است؛ همان گونه که تعریف شاخص‌های خسارت زیست محیطی به منظور شناسایی مسئول جبران خسارت نیز امری بدیهی است. لذا از آن جا که تعریف واحد و قطعی در حقوق بین‌الملل محیط زیست از خسارات زیست محیطی موجود نیست و خسارات زیست محیطی در سیستم‌های قانونی مختلف متفاوت معنا می‌شوند، تدوین شاخص‌ها و واکاوی مفهوم خسارات زیست محیطی از لحاظ حقوقی و بررسی قلمرو و ابعاد خسارت زیست محیطی ناشی از آلودگی‌ها از منظر حقوق بین‌الملل اجتناب ناپذیر است (Khalatbari et al., 2016).

مدیران علاوه بر آنکه باید منافع و حقوق سازمان خود را تأمین کنند، باید به عنوان یک امر اخلاقی در راه تأمین رفاه، آسایش، نیازها و علایق مردم جامعه نیز مشارکت داشته

باشند. از جهت دیگر نباید تصمیم‌ها و رفتارهای مدیریتی منجر به وارد کردن خسارت، زیان و آسیب به جامعه و افراد آن شود (Darabi R et al., 2017). بر این اساس انتظار می‌رود که بین حقوق محیط زیست و یا میزان افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی با هموارسازی سود از طریق کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی اختیاری در سطح شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ارتباط معناداری وجود داشته باشد. در نهایت بر اساس پژوهش‌های انجام شده می‌توان دریافت که تاکنون پژوهشی به بررسی تأثیر حقوق محیط زیست بر هموارسازی سود نپرداخته است.

تصمیم‌های مدیران و سرمایه‌گذاران در راستای افزایش بازده و ثروت است، چرا که در علم اقتصاد با فرض منطقی بودن رفتار افراد فرض می‌شود همه افراد به دنبال حداکثرسازی ثروت خود می‌باشند. پس، مدیران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. حال مدیران با توجه به آزادی عمل خود در استفاده از رویه‌های حسابداری، خواهان آگاهی از چگونگی تأثیر عوامل مذکور از جمله رویه‌های حسابداری بر ثروت خود خواهند بود تا با بکارگیری آن‌ها در جهت منافع خود، ثروت خود را تا حد ممکن افزایش دهند. افزایش ثروت مدیران می‌تواند همراه با کاهش ثروت سایر گروه‌ها از جمله سهامداران باشد. میزان هموارسازی سود و معیارهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤید این است که در زمان تصمیم‌گیری اقتصادی چقدر این معیارها برای سرمایه‌گذاران اهمیت دارد. در حال حاضر جریان رو به رشد ادبیات حقوق محیط زیست و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، شروع به کشف رابطه بین حقوق محیط زیست و عملکرد بازارهای مالی کرده است. بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تبیین شده است:

۱) حقوق محیط زیست بر هموارسازی سود از طریق کل اقلام تعهدی تأثیر معنادار دارد.

۲) حقوق محیط زیست بر هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری تأثیر معنادار دارد.

¹ Total Accrual Smoothing (TAS)

² Discretionary Accrual Smoothing (DAS)

پیشینه مرتبط با موضوع پژوهش به شرح زیر ارائه شده است.

چنی و جیتر (۱۹۹۷) ویژگی شرکت‌هایی که مدیران آنها با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری به هموارسازی سود حول سود دائمی و پایدار شرکت می‌پردازند را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌های هموارساز، شرکت‌های بزرگ‌تری هستند، بازده بیشتر و تعهدهای اختیاری بالاتری دارند (Chaney & Jeter, 1997).

زاروین^۲ (۲۰۰۲) به بررسی این موضوع پرداخته که آیا هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی سود را افزایش می‌دهد؟ نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که هموارسازی سود به افزایش محتوای اطلاعاتی سود منجر می‌شود و سود هموار شده، اطلاعاتی را در مورد سود، جریان‌های نقدی و اقلام تعهدی دوره‌های آتی ارائه می‌نماید (Zarowin, 2002).

جین و همکاران^۳ (۲۰۱۰) در پژوهشی درباره رابطه بین اخلاقیات، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد سازمانی به این نتیجه رسیدند که، مدیران سازمان‌های نظام یافته در مقایسه با سازمان‌های ماشین بنیاد، سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقیات بالایی دارند (Jin & Drozdenko, 2010).

قولا و همکاران^۴ (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که در افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در گزارش‌های خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند، هزینه سرمایه‌ای پایین‌تر از شرکت‌هایی داشته‌اند که این افشاگری را انجام نمی‌دادند (Ghoula et al., 2011).

کیم و پارک^۵ (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین کیفیت سود و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداختند. به منظور بررسی کیفیت سود، از معیارهای اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود با استفاده از فعالیت‌های واقعی استفاده شده است. معیارهای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در این پژوهش شامل مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، انجمن، تنوع، روابط کارمندان، محیط و حقوق انسانی است. نتایج تحقیق آنان نشان داد که مسئولیت

¹ Chaney and Jeter

² Zarowin

³ Jin et al.

⁴ Ghoula et al.

⁵ Kim and Park

اجتماعی شرکت‌ها منجر به بهبود کیفیت سود شرکت‌ها خواهد شد (Kim & Park, 2011).

فرنز و پراکاش^۱ (۲۰۱۲)، توسعه گزارش‌گری مسئولیت‌پذیری اجتماعی را بر روی شرکت‌های موجود در کشورهای اروپای شرقی و آمریکای شمالی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که گزارش‌های اجتماعی منتشر شده شرکت‌های اروپایی، سطح پاسخ‌گویی اجتماعی بالاتری نسبت به شرکت‌های آمریکای شمالی دارند. در اروپای شرقی کیفیت گزارش‌های اجتماعی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما آن‌ها در مقایسه با شرکت‌های مشابه در آمریکای شمالی، دارای موضوعات تفصیلی گزارش‌گری اجتماعی می‌باشند (Ferns & Prakash S, 2012).

سرواس و تامایو^۲ (۲۰۱۳) به انجام پژوهشی با عنوان «تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش شرکت» پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با ارزش شرکت، در شرکت‌هایی که میزان آگاهی مشتریان و یا آگاهی عموم مردم از طریق تبلیغاتی که شرکت انجام می‌دهد بیشتر باشد، رابطه مثبت وجود دارد و برای شرکت‌هایی که آگاهی مشتریان و یا عموم مردم پایین است، این رابطه ضعیف و یا منفی می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که تأثیر آگاهی بر رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش شرکت در مورد شرکت‌هایی که شهرت کمی در اجتماع دارند منفی است (Servaes & Tamayo, 2013).

گائو و ژانگ^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی بر هموارسازی سود پرداخته‌اند. در این پژوهش هموارسازی سود از دو روش هموارسازی سود از طریق کل ارقام تعهدی و هموارسازی سود از طریق ارقام تعهدی سنجیده شده است. بررسی فرضیه‌های پژوهش نشان داد که میزان افشای مسئولیت اجتماعی بر هموارسازی سود از

¹ Ferns and Prakash

² Servaes and Tamayo

³ Gao and Zhang

طریق کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی اختیاری تأثیر معناداری ندارد (Gao & Zhang, 2015).

پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) با انجام تحقیقی تحت عنوان «بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به این نتیجه رسیدند که هموارسازی سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری، توسط مدیران شرکت‌های ایرانی صورت می‌گیرد و مالیات بر درآمد در فعالیتهای عملیاتی محرک اصلی برای هموار نمودن سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری است (Pourheidari & Plato, 2006).

ملانظری و کریمی‌زند (۱۳۸۶) طی انجام پژوهشی با عنوان «بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به این نتیجه رسیدند که بین اندازه شرکت و هموارسازی سود، همبستگی قوی وجود دارد و این ارتباط به صورت معکوس است. همچنین تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین شرکت‌های هموارساز سود، از نظر صنعت وجود ندارد. آنها بیان نمودند که تنها در سطح سود ناویژه ارتباط ضعیفی بین صنعت و هموارسازی مشاهده می‌شود. سرانجام، محققین ابراز نمودند که ارتباط معنی‌داری بین هموارسازی ساختگی سود با اندازه شرکت وجود داشته ولی بین هموارسازی ساختگی و نوع صنعت ارتباط معنی‌داری وجود ندارد (Malanzari & Karimi Zand, 2007).

مهرانی و عارف‌منش (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پس از تفکیک شرکت‌ها به دو گروه هموار ساز و غیر هموار ساز خصوصیات آنها را از لحاظ وجود فرصت و انگیزه برای هموارسازی سود در قالب سنجش شش فرضیه مورد آزمون قرار دادند و تأثیر اندازه شرکت، نسبت بدهی، عملکرد، میزان اقلام تعهدی و بازده را در هموارسازی سنجیدند. و نهایتاً به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های هموار ساز در مقایسه با شرکت‌های غیر هموار ساز با داشتن عملکرد ضعیف‌تر، انگیزه بیشتر و با دارا بودن اقلام تعهدی اختیاری بزرگ‌تر فرصت بیشتری جهت هموار سازی سود دارند (Mehrani & Aref Manesh, 2008).

مهدوی و قاسمی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر سازه‌های اجتماعی قانون‌گرایی، اطمینان‌طلبی، سطح تحصیلات، فردگرایی، جنسیت، رشته تحصیلی و سابقه‌های کاری بر افشاگری مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سازه‌های اجتماعی قانون‌گرایی، اطمینان‌طلبی و فردگرایی بر افشاگری مالی شرکت‌های مورد بررسی تأثیر مستقیم و معنادار دارد و فردگرایی بیش‌ترین تأثیر را بر افشاگری مالی دارد (Mahdavi & Ghasemi, 2009).

تقوی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تعهد سازمانی با محافظه‌کاری در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رابطه بین سازه‌های اخلاقی (مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و تعهد سازمانی) و محافظه‌کاری مثبت بوده ولی تنها رابطه متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و محافظه‌کاری از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد (Taghavi et al., 2010).

خواجوی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین مدیریت سود و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و مدیریت سود، رابطه منفی وجود دارد و حدود ۱۶٪ از تغییرات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت به طور معکوس تحت تأثیر متغیرهای اندازه شرکت، منابع مالی و مدیریت سود می‌باشد. همچنین عملکرد مالی شرکت با مدیریت سود رابطه مثبت و با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، رابطه منفی و معکوس داشته، ولی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت در کنار مدیریت سود، باعث کاهش اثر معکوس مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی، یعنی بهبود عملکرد مالی شرکت شده است. در نهایت، تعهدات سازمانی با مدیریت سود و عملکرد مالی شرکت رابطه منفی دارد (Khajavi et al., 2011).

بخردی‌نسب و ژولانژاد (۱۳۹۶) در پژوهشی به توصیف حسابرسی زیست‌محیطی پرداختند. آلودگی محیط‌زیست به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات جامعه بشری امروز، در ایران به قدری شدت یافته که پایتخت آن به‌عنوان یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان

شناخته شده است. این موضوع لزوم به‌کارگیری حسابداری و حسابرسی محیط‌زیست را به‌عنوان تلاشی در جهت حفاظت از محیط‌زیست توجیه می‌کند. در این پژوهش به بررسی توصیفی حسابرسی زیست‌محیطی پرداخته شده است. این حسابرسی رویه‌های اصلی بنگاه‌های اقتصادی و سازمان‌ها را درباره موضوعات زیست‌محیطی، بررسی و ارزیابی می‌کند. روش پژوهشی در این مطالعه مروری- توصیفی بوده و هدف آن بررسی مزایا و معایب این نوع حسابرسی می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان داد که حسابرسی رعایت یا حسابرسی مسئولیت‌های گذشته، مسئولیت‌های جاری و مسئولیت‌های آینده؛ همچنین حسابرسی فرایندها یا حسابرسی تأثیر خرید یا تحصیل یک شرکت جدید، حسابرسی اثرات محیطی منطقه استقرار سازمان، حسابرسی محصولات تولیدی و حسابرسی رویه‌های زیست‌محیطی مدیریت، از شیوه‌های متداول و مرسوم حسابرسی محیط زیست هستند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که حسابرسی محیط‌زیست منجر به بهبود محیط کار و صرفه‌جویی در منابع سازمان می‌شود (Bekhradi Nasab & Zholanezhad, 2017).

بخردی نسب و ژولانژاد (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر ارزش ویژه نام و نشان تجاری پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و محرک اعتبار ارزش نام و نشان تجاری، عواملی مثبت و قابل توجه برای همه چندک‌ها هستند. عامل محرک توسعه برند، تأثیر مثبت و قابل توجهی را بر روی چندک‌های بالاتر عملکرد مالی شرکت می‌گذارد. یافته‌های این پژوهش نشان دهنده تأثیر منفی بر عملکرد مالی شرکت در زمینه عامل محرک وفاداری به برند هستند (Bekhradi Nasab & Zholanezhad, 2021).

روش‌شناسی پژوهش

روش اجرای پژوهش آمیخته و ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است. به این صورت که داده‌های هموارسازی سود با استفاده روش کمی و داده‌های حقوق محیط زیست در

شرکت‌های عضو جامعه آماری با استفاده از روش کیفی گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش با تکیه بر داده‌های ترکیبی و رگرسیون چندگانه انجام شد.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش شامل متغیرهای وابسته و توضیحی می‌باشد که در ادامه به نحوه سنجش آن‌ها پراخته شده است.

متغیر وابسته

هموارسازی سود^۱: متغیر وابسته پژوهش حاضر هموارسازی سود بوده که با استفاده از دو معیار اقلام تعهدی کل و اقلام تعهدی اختیاری سنجیده شده است. در این پژوهش به پیروی از پژوهش گائو و ژانگ (۲۰۱۵) از دو معیار جهت سنجش هموارسازی سود استفاده شده است (Gao & Zhang, 2015).

هموارسازی سود مبتنی بر جمع اقلام تعهدی^۲: در پروکسی اول هموارسازی سود عبارت است از نوسانات جریان نقد و نوسانات سود، که نحوه اندازه‌گیری آن به شرح رابطه (۱) می‌باشد.

رابطه (۱)

$$TAS_{it} = \frac{Std. Dev. (CFO_{it})}{Std. Dev. (NI_{it})}$$

که در این رابطه:

Std.Dev.(CFOit) : انحراف معیار جریان نقد

Std.Dev.(NIit) : انحراف معیار سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه

هموارسازی سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری^۳: در پروکسی دوم هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری همبستگی منفی بین تغییر در اقلام تعهدی اختیاری و تغییر

¹ Earnings Smoothing

² Accrual Total

³ Discretionary Accrual

در سود قبل از ارقام تعهدی اختیاری که بر اساس مدل اصلاح شده یا تعدیل شده جونز نشان داده می‌دهد، بدست می‌آید که نحوه اندازه‌گیری آن به شرح رابطه (۲) و (۳) می‌باشد.

رابطه (۲)

$$TACC_{it} = \alpha_1 \left(\frac{1}{Asse_{it-1}} \right) + \alpha_2 \Delta Sales_{it} + \alpha_3 PPE_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در مدل فوق:

TACC : جمع کل ارقام تعهدی

ASSET : جمع دارایی‌ها

$\Delta SALES$: تغییرات فروش

PPE : ارزش اموال و ماشین آلات و تجهیزات

ROA : شاخص سود آوری

e : میزان خطای باقی مانده مدل

در نهایت ارقام تعهدی اختیاری با استفاده از رابطه (۳) بدست آمده است.

رابطه (۳)

$$DAS_{it} = -(\Delta DAP_{it}, \Delta PDI_{it})$$

که در این رابطه :

DAS : همبستگی منفی تغییر در ارقام تعهدی اختیاری و سود قبل از ارقام تعهدی

اختیاری

DAP : ارقام تعهدی اختیاری

PDI : سود قبل از ارقام تعهدی اختیاری

متغیر مستقل

حقوق محیط زیست^۱: متغیر مستقل این پژوهش، حقوق محیط زیست شرکت‌ها بوده که با استفاده از مدل میشرآ و همکاران (۲۰۱۱) سنجیده شده است (Ghoula et al., 2011). میزان افشای حقوق محیط زیست و مسئولیت پذیری اجتماعی که به عنوان متغیر مستقل پژوهش حاضر، در نظر گرفته شده است، با توجه به معیارهایی که مؤسسه آمریکایی معروف به KLD که هر ساله سازمان‌ها را بر اساس معیارهای زیست محیطی رتبه بندی می‌کند اندازه‌گیری شده است. حقوق محیط زیست در این پژوهش دارای چهار بُعد می‌باشد. هر بُعد آن دارای نقاط قوت و ضعف مخصوص به خود می‌باشد. با تفاضل نقاط قوت هر بُعد از نقاط ضعف هر بُعد، نمره آن بُعد بدست می‌آید. در نهایت با جمع تمام ابعاد فوق یک نمره کلی برای حقوق محیط زیست بدست خواهد آمد. لازم به ذکر است که در صورت وجود هر نقطه ضعف یا نقطه قوت مربوطه، عدد یک و در صورت نبود آن‌ها عدد صفر در نظر گرفته شده است. اطلاعات لازم برای این متغیر در گزارش هیأت مدیره شرکت‌ها افشاء می‌شود و در پژوهش حاضر برای معرفی هر یک از ابعاد، با توجه به ماهیت افشاگری در ایران، از شاخص‌های مسئولیت پذیری اجتماعی در ایران و همچنین از گواهی نامه‌های ISO 9001 سیستم مدیریت کیفیت، ISO 14001 مدیریت زیست محیطی، OHSAS 18001 استاندارد ایمنی و بهداشت استفاده شده است. بنابراین، در این پژوهش صرفاً از مدل KLD استفاده نشده بلکه معیارها مطابق با استاندارد ایران می‌باشد، که در گزارش هیأت مدیره افشاء شده است.

مدل حاضر مدل عینی و کمی معروفی است که تاکنون از طریق نهادهای رسمی در بسیاری از کشورها برای اندازه‌گیری حقوق محیط زیست شرکت استفاده شده است. مدل به شرح رابطه (۴) می‌باشد.

رابطه (۴)

$$CSR_S = CSR_COM_S + CSR_EMP_S + CSR_ENV_S + CSR_PRO_S$$

¹ Environmental Law

² Mishra

CSR-S : نمره حقوق محیط زیست

CSR-COM-S : نمره افشای مشارکت اجتماعی

CSR-EMP-S : نمره افشای روابط کارکنان

CSR-ENV-S : نمره افشای محیط زیست

CSR-PRO-S : نمره افشای ویژگی محصولات

نمره هر کدام از این پارامترها از تفاضل نقاط قوت و نقاط ضعف خاص خود به شرح زیر جدول (۱) محاسبه شده است.

جدول (۱) : پارامترهای حقوق محیط زیست

$CSR_COM_S = \sum Strengths - \sum Concerns$	CSR_COM_S
$CSR_EMP_S = \sum Strengths - \sum Concerns$	CSR_EMP_S
$CSR_ENV_S = \sum Strengths - \sum Concerns$	CSR_ENV_S
$CSR_PRO_S = \sum Strengths - \sum Concerns$	CSR_PRO_S

پاره‌ای از نقاط قوت و ضعف حقوق محیط زیست و ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی به طور خلاصه در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲) : ابعاد حقوق محیط زیست با نقاط قوت و ضعف آن‌ها

ابعاد حقوق محیط زیست	نقاط قوت	نقاط ضعف
مشارکت اجتماعی	۱. کمک‌های خیریه ۲. کمک‌های نوآورانه (کمک به سازمان‌های غیر انتفاعی، مشارکت در طرح‌های عمومی)	۱. اثر منفی اقتصادی (تأثیر منفی بر کیفیت زندگی، تعطیلی کارخانه) ۲. عدم پرداخت مالیات
روابط کارکنان	۱. به اشتراک گذاشتن سود نقدی ۲. مزایای بازنشستگی	۱. ضعف بهداشت و ایمنی ۲. کاهش نیروی کار
محیط زیست	۱. انرژی پاک (استفاده از سوخت با آلودگی کمتر) ۲. کنترل آلودگی هوا و کاهش گاز گلخانه‌ای	۱. تولید زباله‌های خطرناک ۲. پرداخت جریمه به دلیل نقض مدیریت زباله
ویژگی محصولات	۱. کیفیت محصول ۲. ایمنی محصول	۱. پرداخت جریمه در مورد ایمنی محصول ۲. پرداخت جریمه برای تبلیغات منفی

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت^۱: اندازه شرکت از طریق لگاریتم مجموع دارایی‌های شرکت محاسبه شد.
 اهرم مالی^۲: اهرم مالی از طریق نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها اندازه‌گیری شد.
 رشد شرکت^۳: رشد فروش از تفاضل فروش سال t منهای فروش سال t-1 تقسیم بر فروش سال t-1 بدست آمد.

براساس فرضیه‌های پژوهش، الگوی تحقق فرضیه‌ها به پیروی از پژوهش گائو و ژانگ (۲۰۱۵) به شرح مدل (۱) و (۲) می‌باشد.

مدل (۱)

$$TAS_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR Score_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$TACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR Score_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در مدل‌های فوق:

TAS: هموارسازی سود

TACC: هموارسازی سود

CSR Score: امتیاز مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

SIZE: اندازه شرکت

LEV: اهرم مالی

GROWTH: رشد فروش

ε : خطای مدل

¹ SIZE

² LEV

³ GROWTH

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر، همه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی این پژوهش محدود به سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ است. نمونه آماری نیز با اعمال شرایط زیر از میان شرکت‌های عضو جامعه آماری انتخاب شده است.

- سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند هر سال باشد.
- شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند و تا پایان سال از بورس خارج نشده باشند.
- کلیه اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها در دسترس باشد.

با توجه به شرایط فوق، در مجموع تعداد ۱۶۴ شرکت به عنوان جامعه آماری در دسترس انتخاب گردید.

یافته‌های پژوهش

مدل آزمون فرضیه اول پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین این مدل در جدول (۳) ارائه شده است که تأثیر حقوق محیط زیست بر هموارسازی سود با استفاده از کل ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را آزمون می‌کند. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهنده مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۵۷) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاقی خود همبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد.

جدول (۳): نتایج فرضیه اول

متغیر	ضریب	خطا	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۴,۴۲۰,۲۴۷	۳,۹۴۱۲۰۰	۱,۱۲۱۵۴۹	۰,۲۶۲۲
مسئولیت اجتماعی	۰,۱۹۵۳۲۶	۱,۱۱۲۶۹۵	۰,۱۷۵۵۴۴	۰,۸۶۰۷
اندازه شرکت	-۰,۱۶۳۲۳۰	۰,۲۸۲۳۷۱	-۰,۵۷۸۰۶۷	۰,۵۶۳۳
اهرم مالی	-۰,۵۵۹۷۹۳	۱,۰۹۷۸۱۳	-۰,۵۰۹۹۱۷	۰,۶۱۰۲

۰,۰۱۹۷	-۲,۳۳۳۹۴۹	۰,۱۲۵۴۲۷	-۰,۲۹۲۷۴۱	رشد شرکت
-	-	-	۰,۲۸۹۰۳۲	ضریب تعیین
۰/۰۰۰۰	۳,۹۸۲۵۶۷	-	-	آماره F
-	۱,۵۷	-	-	آزمون دوربین واتسون

فرضیه اول پژوهش به صورت زیر است:

فرض صفر: بین حقوق محیط زیست و هموارسازی سود از طریق کل اقلام تعهدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رابطه معناداری وجود ندارد.

فرض مقابل: بین حقوق محیط زیست و هموارسازی سود از طریق کل اقلام تعهدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رابطه معناداری وجود دارد.

همان‌گونه که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، سطح معناداری (۰/۸۶۰۷) برای متغیر حقوق محیط زیست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را با احتمال ۹۵٪ بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ نشان می‌دهد. از این رو فرض صفر رد نشده و می‌توان نتیجه گرفت که بین حقوق محیط زیست و هموارسازی سود از طریق کل اقلام تعهدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رابطه معناداری وجود ندارد. نتیجه فرضیه اول پژوهش با پژوهش گائو و ژانگ (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

مدل آزمون فرضیه دوم پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین این مدل در جدول (۴) ارائه شده است که تأثیر حقوق محیط زیست بر هموارسازی سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را آزمون می‌کند. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۵۱) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد.

جدول (۴): نتایج فرضیه دوم

متغیر	ضریب	خطا	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۳۴۲۲۸۴,۱	۹۳۲۱۸۷,۳	۰,۳۶۷۱۸۴	۰,۷۱۳۵
مسئولیت اجتماعی	-۹۶۴۹,۹۵۸	۲۶۳۱۷۸,۷	-۰,۰۳۶۶۶۷	۰,۹۷۰۸
اندازه شرکت	-۲۹۶۳,۵۲۴	۶۶۷۸۷,۴۹	-۰,۰۴۴۳۷۲	۰,۹۶۴۶
اهرم مالی	-۴۹۷۱۴۸,۸	۲۵۹۶۵۸,۸	-۱,۹۱۴۶۲۳	۰,۰۵۵۷
رشد شرکت	۳۹۷۵۴,۱۱	۲۹۶۶۶,۵۴	۱,۳۴۰۰۳۲	۰,۱۸۰۴
ضریب تعیین	۰,۱۶۰۹۵۷	-	-	-
آماره F	-	-	۱,۸۷۹۲۷۸	۰/۰۰۰۰
آزمون دوربین واتسون	-	-	۱/۵۱	-

فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر است:

فرض صفر: بین حقوق محیط زیست و هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رابطه معناداری وجود ندارد.

فرض مقابل: بین حقوق محیط زیست و هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رابطه معناداری وجود دارد.

همان‌گونه که نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد، سطح معناداری (۰/۹۷۰۸) برای متغیر حقوق محیط زیست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را با احتمال ۹۵٪ بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ نشان می‌دهد. از این رو فرض صفر رد نشده و می‌توان نتیجه گرفت که بین حقوق محیط زیست و هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه فرضیه دوم پژوهش با پژوهش گائو و ژانگ (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر افزایش چشم‌گیر فعالیت‌های اجتماعی شرکت‌ها باعث شده تا پژوهش‌هایی در خصوص حقوق محیط زیست در سطح شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شود. در سال ۲۰۱۱ میلادی، مطابق با گزارش KPMG (یکی از

شرکت‌های پیشرو در جهان که فعالیت مشاوره در این حوزه را دارد، دو منبع ارزش مالی شرکت‌ها عبارت است از صرفه‌جویی در هزینه‌های مستقیم و افزایش در اعتبار و شهرت واحد تجاری در بازار از طریق گزارش‌گری حقوق محیط زیست. بنابراین اکثر شرکت‌ها نشان می‌دهند که گزارش‌گری مسئولیت‌پذیری آن‌ها دارای ارزش مالی بوده و باعث ایجاد نوآوری می‌شود. ولی این قضیه در ایران برعکس عمل کرده است. چرا که با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها، گزارش مسئولیت اجتماعی و حقوق محیط زیست برای آن‌ها فاقد ارزش بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که احتمالاً مدیران ایرانی، هموارسازی سود را با هدف افزایش عملکرد شرکت، انجام داده و انگیزه‌هایی مبنی بر دستکاری سود یا مدیریت بد سود را نداشته و لذا یا از حقوق محیط زیست به عنوان سپری برای مقوله مدیریت سود استفاده نمی‌کنند؛ و یا به دلیل این‌که توجه به چنین مسئولیت‌هایی باعث کاهش عملکرد شرکت در کوتاه‌مدت می‌شود، مدیران نیازی به پنهان شدن پشت این سپر ندارند. سنجش متغیر حقوق محیط زیست از سخت‌ترین مراحل انجام این پژوهش بوده است. شاید اگر این پژوهش در کشور دیگری انجام شود، نتایجی متفاوت با نتایج پژوهش حاضر حاصل شود. دلیل این امر فقط اندازه‌گیری حقوق محیط زیست در کشور ایران است. چرا که در صورت‌های مالی برخی کشورها نظیر آمریکا یا آلمان، نروژ و ایتالیا اقلامی گزارش می‌شود که کشور ما این اطلاعات را نه در صورت‌های مالی بلکه در پیوست صورت‌های مالی هم گزارش نمی‌کند. به عنوان مثال انرژی پاک، تولید زباله‌های خطرناک، کنترل آلودگی هوا و کاهش گاز گلخانه‌ای و اثرات منفی اقتصادی بر کیفیت زندگی، تعطیلی کارخانه در صورت‌های مالی دیگر کشورها افشاء می‌شود که در صورت‌های مالی شرکت‌های خصوصی در ایران از آن بی بهره‌ایم. لذا در این پژوهش از یک سری معیارهای موهومی و مجازی نظیر مشارکت اجتماعی، روابط کارکنان، محیط زیست و ویژگی محصولات استفاده شده که به نظر پژوهش‌گران اگر به صورت کمی این متغیر قابل سنجش بود، صددرصد نتایج متفاوت‌تر می‌بود. پس اصلی‌ترین و عمده‌ترین محدودیت این پژوهش، سنجش حقوق محیط زیست بوده است. محدودیت دوم پژوهش مربوط به عدم دستورالعمل‌ها و سیاست‌های مناسب در زمینه مسئولیت اجتماعی، یا به عبارتی تدوین استاندارد به مثابه

استانداردهای حسابداری مالی یا حسابداری دولتی و یا حسابرسی می باشد، که محقق را در راستای مبانی نظری هموارسازی سود، سنجش متغیر مدیریت سود یاری نماید و در راستای بومی سازی این متغیر در پژوهش را پیش برد. با توجه عدم ارتباط بین هموارسازی سود و حقوق محیط زیست، این پژوهش پیشنهادهای زیر را ارائه می کند:

سازمان های نظارتی، همچون بورس اوراق بهادار تهران و سازمان حسابرسی (کمیته تدوین استانداردها) جهت توجه بیشتر مدیران به مقوله حقوق محیط زیست، به عنوان عامل بقای سازمان در بلندمدت، دستورالعمل ها و سیاست های مناسب در این زمینه اتخاذ نمایند. همچنین، پیشنهاد می شود که سازمان بورس اوراق بهادار، قوانین و مقرراتی را اتخاذ کند که تا حد امکان بتواند میزان واقعی حقوق محیط زیست شرکت ها را در طول سال های متمادی فعالیت شان اندازه گیری و مشخص نماید.

در کنار دو پیشنهاد فوق، چند پیشنهاد کلی نیز جهت دست اندرکان ارائه می گردد:

نخست اینکه در استانداردهای حسابداری، استاندارد دی تحت عنوان مسئولیت های اجتماعی اضافه شود. پس از آن بورس اوراق بهادار، شرکت ها را ملزم نماید تا سالیانه اطلاعات مسئولیت های اجتماعی خود را در پیوست صورت های مالی افشاء سازند. و در نهایت، به سازمان محیط زیست پیشنهاد می شود، در بودجه سالیان آتی، بودجه مخصوص به این امر اختصاص دهند.

با انجام هر تحقیق، راه به سوی مسیری جدید باز می شود و ادامه راه مستلزم انجام تحقیق های دیگری است. طبیعی است که نتایج حاصل از این تحقیق براساس اطلاعات موجود و محدودیت های زمانی و مکانی به دست آمده است و به نظر می رسد برای تکامل آن لازم است تحقیقات زیر نیز انجام گیرد:

- بررسی تأثیر سایر مؤلفه های مسئولیت اجتماعی بر مدیریت سود.
- بررسی تأثیر سایر مؤلفه های مسئولیت اجتماعی بر دستکاری سود.

- تکرار این پژوهش، با استفاده از سایر معیارهای مسئولیت اجتماعی؛ از قبیل تعهدات حرفه‌ای، ایدئولوژیهای اخلاقی و بررسی تأثیر آنها بر هموارسازی سود.
- مقایسه قدرت توضیحی سایر مؤلفه‌های اخلاقی با معیارهای مسئولیت اجتماعی استفاده شده در این پژوهش، در تعیین هموارسازی سود.
- بررسی رابطه غیر خطی بین هموارسازی سود و مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی.
- تعیین مدیریت سود با استفاده از مدلی غیر از مدل تعدیل شده جونز و بررسی رابطه آن با مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی.
- تکرار این تحقیق با در نظر گرفتن یک رویداد خاص یا سایر مسائل سیاسی، اقتصادی مؤثر بر عملکرد فرصت طلبانه مدیران به منظور مدیریت بر مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی
- انجام پژوهش با همین موضوع، اما برای افزایش قابلیت اعتماد نتایج تحقیق، تعداد مشاهدات هر مقطع (تعداد شرکت‌ها) و دوره‌های زمانی افزایش یابد.

References

1. Abbott, W. F., & Monsen, R. J. (1979). On the measurement of corporate social responsibility: Self-reported disclosures as a method of measuring corporate social involvement. *Academy of Management Journal*, 22, 501-515.
2. Ackerman, R. W. (1973). How companies respond to social demands. *Harvard Business Review*, 51(4), 88-98.
3. Ackerman, R. W., & Bauer, R. A. (1976). *Corporate social responsiveness*. VA: Reston, Reston.
4. Ariamand, Z., & Ebrahimi, S. A. (2020). The Effect of Income Smoothing and Earnings Quality on Financial Performance of Firms. *International Journal of Business & Law Research*, 11(42), 1-22.
5. Aupperle, K. E., Carroll, A. B., & Hatfield, J. D. (1985). An empirical investigation of the relationship between corporate social responsibility and profitability. *Academy of Management Journal*, 28, 446-463.

6. Beidleman, C. R. (1973). Income Smoothing : The Role of Management. *The Accounting Review*, 48(4), 653-667.
7. Bekhradi Nasab, V., & Zholanezhad, F. (2017). Descriptive Study of Environmental Audit. *Environmental Law*, 2(1), 18-29. (In Persian)
8. Bekhradi Nasab, V., & Zholanezhad, F. (2021). The Role of value Moderator of the Brand Name on the Relationship between Corporate Social Responsibility and Financial Performance of firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of accounting and social interests*, 10(4), 27-72. (In Persian)
9. Carroll, A. B. (1979). A three-dimensional conceptual model of corporate social performance. *Academy of Management Review*, 4, 497-505.
10. Carroll, A. B. (1999). Corporate Social Responsibility: Evolution of a Definitional Construct. *Business and Society*, 38(3), 268-295.
11. Carroll, A. B. (2021). Corporate Social Responsibility: Perspectives on the CSR Construct's Development and Future. *Business & Society*, 60(6), 1258-1278.
12. Chaney, P. K., & Jeter, D. C. (1997). Income smoothing and firm characteristics. *Accounting Enquiries*, 1(7), 83-115.
13. Cochran, P. L., & Wood, R. A. (1984). Corporate social responsibility and financial performance. *Academy of Management Journal*, 27, 42-56.
14. Darabi R, Vaghfi S H, & M., S. (2017). Relationship between social responsibility reporting with company value and risk for companies registered in Tehran Stock Exchange. *journal of Value & Behavioral Accounting*, 1(2), 193-213. (In Persian)
15. Drucker, P. F. (1984). The new meaning of corporate social responsibility. *California Management Review*, 26, 53-63.
16. Ferns, B., & Prakash S, S. (2012). *Emerging trends in corporate social responsibility (CSR) reporting by large corporations: a comparative analysis of corporate CSR reports by Western European and North American corporations* The Fifth ISBEE World Congress, Warsaw, Poland.
17. Gao, L., & Zhang, H. (2015). Firms' earnings smoothing, corporate social responsibility, and valuation. *Journal of Corporate Finance*, 32, 108-127.
18. Ghoula, S. E., Guedhami, O., Kwok, C. C. Y., & Mishrac, D. R. (2011). Does corporate social responsibility affect the cost of capital? *Journal of Banking & Finance*, 35(9), 2388-2406.
19. Habib, A., & Monzur Hasan, M. (2016). Corporate Social Responsibility and Cost Stickiness *Business & Society*, 58(3), 453-492.

20. Jin, K., & Drozdenko, R. (2010). Relationships among Perceived Organizational Core Values, Corporate Social Responsibility, Ethics, and Organizational Performance Outcomes: An Empirical Study of Information Technology Professionals. *Journal of Business Ethics*, 92(3), 341-359.
21. Khajavi, S., Bayazidi, A., & Jabbarzadeh Kongerloui, S. (2011). Investigating the relationship between earnings management and social responsibility of companies listed on the Tehran Stock Exchange. . *Accounting Advances (Shiraz Social and Humanities)*, 3(1), 29-54. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=145611> (In Persian)
22. Khalatbari, Y., Hermidas Bavand, D., Zare, A., & Poorhashemi, S. (2016). Analyzing of pollution and damages in international environmental law. *Journal of Environmental Science and Technology*. 24(1), 1-17. (In Persian)
23. Kim, S. Y., & Park, H. (2011). Corporate Social Responsibility as an Organizational Attractiveness for Prospective Public Relations Practitioners. *Journal of Business Ethics* 103, 639-653.
24. Koch, B., S (1981). Income smoothing: An experiment. *The Accounting Review*, 56(3), 574-586.
25. Mahdavi, G., & Ghasemi, M. (2009). The Impact of the Social Structures of Legalism, Reliability, Level of Education, Individualism, Gender, Field of Study and Work Experience on Financial Disclosure. . *Accounting Advances (Shiraz Social and Humanities)*, 1(1), 191-215. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=119343> (In Persian)
26. Malanzari, M., & Karimi Zand, S. (2007). Investigating the relationship between profit smoothing with company size and type of industry in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Reviews*, 14(47), 83-100. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=61906> (In Persian)
27. Mehrani, K., & Aref Manesh, Z. (2008). Investigation of profit smoothing in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Reviews*, 15(51), 37-56. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=76443> (In Persian)
28. Murcia, M. J., Panwar, R., & Tarzijan, J. (2020). Socially Responsible Firms Outsource Less. *Business & Society*, 60(6), 1507-1545. <https://doi.org/10.1177/0007650320928981>
29. Noravesh, I., Nikbakht, M. R., & Sepasi, S. (2005). Investigating earnings management in companies listed on the Tehran Stock Exchange *Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University* 2, 165-177.
30. Pourheidari, A., & Plato, A. (2006). Investigating the incentives for profit smoothing in companies listed on the Tehran Stock Exchange. . *Accounting*

- and Auditing Reviews*, 13(44), 55-70.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=50980> (In Persian)
31. Servaes, H., & Tamayo, A. (2013). The impact of corporate social responsibility on firm value: The role of customer awareness. *Management Science*, 59(5), 1045-1061.
32. Taghavi, M., Jabbarzadeh Kangarloo, S., & Khodayariganeh, S. (2010). Explaining the relationship between agency costs and company value with profit management in companies listed on the Tehran Stock Exchange. . *Financial Engineering and Securities Management (Portfolio Management)*, 1(3), 109-133.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=134339> (In Persian)
33. Yu, K., Hagigi, M., & Stewart, S. D. (2018). Income smoothing may result in increased perceived riskiness: Evidence from bid-ask spreads around loss announcements. . *Journal of Corporate Finance*, 48, 442-459.
34. Zarowin, P. (2002). Does Income Smoothing Make Stock Prices More Informative? *Accounting Working Papers*. <http://hdl.handle.net/2451/27592>